

نگارش و تتبع توسط کریستین فریدریش اوسترم (Christian F. Ostermann)



**منبع:** بولتن پروژه تاریخ بین‌المللی جنگ سرد (CWIHP).

**برگردان:** پوهندوی دوکتور سید حسام «مل».

## شواهد جدید در مورد جنگ در افغانستان

### New Evidence on the war in Afghanistan

**مقدمه:**

چه چیزی در عقب تصمیم‌گیری مقامات ارشد اتحاد جماهیر شوروی نهفته بود که در ماه دسامبر سال «1979» آن کشور بالای افغانستان تهاجم نمود؟ چرا و چه وقت میخایل گرباچف تصمیم گرفت که سربازان و قطعات نظامی شوروی را بعد از گذشت ده سال حضور از افغانستان فراخواند؟ و نقش ایالات متحده آمریکا در این مورد از چه قرار بود؟ که برنامه کمک‌های مخفی‌اش را به منظور رساندن کمک به گروه‌های مقاومت افغانستان طرح و پیروزی نمود و حسب پروگرام طرح شده به مجاهدین افغانستان موشک‌های نوع سنتگر را کمک نمود و به اختیار آنها گذاشت؟ و نیز سازمان سیا (CIA) در ارتباط به جنگ در افغانستان چه نقشی را بازی کرد؟ و چه عوامل مساعد کننده در میان بود که منتج به ظهور اسلامگرایان افراطی و ستیزه‌جو در تاریخ جنگ افغانستان و آنهم در انتهای جنگ سرد گردید؟

این همه آن سوالاتی بود که در این یک کنفرانس بزرگ بین‌المللی «به ارتباط تاریخ بین‌المللی جنگ در افغانستان» طرح شد. کنفرانسی که به همت سازمان پروژه تاریخ بین‌المللی جنگ سرد (cold war international project=CWIHP) و در همکاری تنگاتنگ نهاد (Woodrow Wilson) برنامه آسیای مرکزی و انستیتوت کینن (kennan) پوهنتون جورج واشنگتن و مساعی گروه بولتن جنگ سرد و کارکنان ارشیف ملی ثانوی به شکل کنفرانس انتقادی شفاهی «زبانی» در میان کهنکاران سیاسی طراحی و برگزار شد «2». کنفرانسی که در آن بحث و گفت و شنود بین افسران سیاسی ارتش سرخ شوروی و مقامات شورای امنیت ملی (NSC) وزارت امور خارجه و سازمان اطلاعات مرکزی سیا (CIA) پیرامون موضوعات زیدخل در جنگ افغانستان که از زمان زمامداری ادراره کارتر ریگان و جورج دبلیو بوش صورت گرفته بود بحث و بررسی قرار گرفت و در عین زمان کارشناسان علمی و پژوهشی اسناد و توضیحات این گفتگوها و مباحثات را به زبان‌های روسی، بلغاریایی، آلمانی، چکی و هنگری ترجمه و تفسیر کردند که بعداً در جزوه‌های جداگانه زیور چاپ یافت علاوه بر آن لازم پنداشته شد که لستی از اشتراک‌کننده‌گان و آنهای را که در کار این کنفرانس سهم فعال گرفته بودند نیز تنظیم نمایند «3» که اینها شامل تحلیلگری از نهاد **رند** (RAND) الکساندر الکسیب (Alexander Alexiev)، افسران سابق «سی‌ای‌ای» آمریکا اقایون جورج کیب (George Cave) و چارلس کوگان (Charles Cogan)، سفیر سابق آمریکا اقای ریموند گارتوف (Raymond Garthoff) و اقای محمد حسن «کاکر» سابق استناد

کرسی تاریخ پوهنځی پوهنتون کابل، دنس کوکس (Dennis kux) و ویلیام گرین میلیر (William Green Miller) سفیران امریکا و کارمند سابق امنیت ملی رییس جمهور کارتر اقای جیرولد شیکتر (Jerrold Schechter) و نماینده جورج دبلیو بوش اقای (Peter Tomgen) در امور مسایل خارجی افغانستان و اقای نیکولیس ویلیوتس (Nicholes A. Veliotos) سابق معاون وزیر امور خارجه در زمان زمامداری رییس جمهور ریگان و مسول در امور شرق و جنوب آسیا بودند.

اسناد مورد بحث بدست آمده از منابع روسیه شامل مجموعه ای از مواد قابل استقاده توسط نهاد (CWIHP) و متخصص نظامی روسیه اقای ای ای لیاکویسکی (A.A. Lyakhovsky) تهیه و تدارک دیده شده است و در این اسناد بدست آمده و تدارک دیده شده چنین وانمود شده است که چگونه گزارش رسمی یکجانبه از وضعیت افغانستان، گزینه های سیاسی شوروی را بین ماه مارچ سال (1979) هنگام قیام در ولایت هرات و خواست شوروی به ارتباط مداخله در افغانستان موضوع بحث در مسکو قرار میدهد «4» سویتلانا سا برانسکا یا (Sevetlana Savranskaya) محقق و پژوهشگر روسی چنین استدلال مینماید:

« رهبران اتحاد جماهیر شوروی تقریباً منحصر بخود با در نظر داشت هشدار سازمان اطلاعاتی روسیه (KGB) مبنی بر اینکه وضعیت افغانستان دارد که در سال (1979) به شدت به وخامت گراید، لذا ایجاب میکند روسیه در هزینه های خود بسیار محتاط و هراسناک با دید با ملاحظه برخورد و در مورد عاقلانه تصمیم گیرد »

از سوی دیگر عامل مهم دیگری که در آن سال شوروی ها و با مقامات شوروی را نگران خود ساخت اخبار واصله از منابع اطلاعاتی نظامی و کانال های دیپلماتیک بود که شوروی را وادار ساخت و با برای مقامات مسول شوروی نگرانی را بوجود آورد چنین سروصداها پخش شده بود که ایالات متحده امریکا بعد از کناره رفتن و بیرون شدن شاه ایران عنصر تحت حمایت غرب از قدرت در نظر دارد که بالای ایران تجاوز نماید لذا مسکو با احساس ترس از اینکه مبدا ایالات متحده امریکا با تجاوز خود بالای ایران در افغانستان برای خود جای پای پیدا کند بهراس افتاد «چونکه در آنوقت اتحاد جماهیر شوروی از اینکه از حکومت جدید بر سر اقتدار طرفدار خود در کابل که اگر نتواند حمایت کند از اعتبار او در جامعه و جهان کمونیسم کاسته خواهد شد» سخت نگران بود و با در نظر داشت همین اصل به شدت همه جانبه به ارتباط توانایی های نیروهای نظامی افغانستان از سوی دیگر به ارتباط موقف حفیظ الله «امین» سوییظن و بدگمانی داشت و نمیتوانست بصورت قطعی تشخیص نماید که آیا حفیظ الله «امین» نماینده امریکا است و یا اینکه آماده است تا خود را بالای امریکا بفروشد - در کنفرانس معاون وزارت امور خارجه سابق امریکا اقای جی. بروس امستوتس (J. Bruce Amstutz) و شماری دیگری از اشتراک کنندگان همچو اتهاماتی را که از طرف شوروی به حفیظ الله «امین» زده میشد رد کردند - در خزان سال «1979» اقای امستوتس در پنج بار مکالمه تیلیفونی خود که با حفیظ الله «امین» نموده بود همه گفته ها را بخاطر داشت و آن خاطرات را چنین بازگو کرد: رهبران افغانستان اقای حفیظ الله «امین» به هیچ وجه به امریکا کدام علاقمندی نداشت و ابداً خود را به امریکا وابسته نمیدانست و در صحبت های او هیچ اشاره و یا هیچ تمایل دیده نمیشد که او شاید در آینده به امریکا علائق پیدا کند و یا خود را به امریکا وابسته سازد.

از سوی دیگر از زمان کودتای کمونیستی (انقلاب ثور) در سال «1978» روابط ایالات متحده

امریکا با زمامداران یکی بعد از دیگری در دولت افغانستان مکدر و به وخامت گراید، اکنون در ارتباط قضیه به گروگان گیری سفیر امریکا **ادولف دبس** اسنادی که به (CWIHP) از ارشیف متروک شده ای (KGB) توسط **واسیلی میتروکین (Vasily Mitrokhin)** تحت عنوان (KGB در افغانستان) بدست آمده است منتشر در اوراق کاری (CWIHP) در بولتن جنگ سرد شما ره «40» آن در نشانی ذیل [<http://CWIHP.si.edu>] قابل دسترس است که در آن موضوع ترور سفیر امریکا چنین توضیح شده است و آن اینکه رژیم حفیظ الله «امین» از توصیه ها و دایرکتیف های کارکنان سفارت امریکا در کابل سرباز میزند و امر میکند که هتل کابل در جای که در آنجا سفیر امریکا **اقای ادولف دبس** توسط سه تروریست وابسته به یک گروهی اسلامی رادیکال گروگان میباشند تحت فیر و آتش قرار گیرد و تا همین اکنون مشخص نشده است که چرا (KGB) آن یکی از سه تروریست را که زنده باقی مانده بود قبل از آنکه هیبت از ما مورین سفارت امریکا در کابل از آن تروریست زنده مانده تحقیق بعمل آورند بصورت اسرارآمیز از پاد آورده میشود؟ سفیر امریکا **اقای دو بس** در انتظار اقدامات دولتمردان کابل بود تا ببیند که مسولین دولت در این مورد به چه اقداماتی دست میزنند و از سوی دیگر او یعنی **دو بس** چشم امید اش را به آن افسرانیکه در ایالات متحده امریکا تحصیل کرده بودند و اکنون از کار برطرف و در حال تعلیق قراردادند همسان آنها به مامورین وزارت خارجه معطوف نموده بود که شاید بالای دولت کابل فشار وارد نمایند که در مورد او خویشنداری را در نظر گیرد چونکه دولت کابل تنها متکی به اتحاد جماهیر شوروی بود.

بهر صورت در اوایل سال (1979) روابط بین ایالات متحده امریکا و افغانستان سریعاً به سردی گراید و این سردی روابط نتیجه و یا انعکاس ملاقات نماینده رییس جمهور کارتر از اداره امنیت ملی امریکا **اقای توماس پی. تورنتون (Thomas P. Thornton)** با **حفیظ الله «امین»** بود.

ملاقات نماینده کارتر با حفیظ الله «امین» نتایج منفی در برداشت، و ایالات متحده امریکا بعد از واقعه قتل **ادولف دبس** برنامه کمک های خود را به افغانستان متوقف ساخت، و اداره رییس جمهور کارتر در اواسط سال (1979) به جنبش مقاومت علیه دولت افغانستان به کمک و به ارسال سلاح های غیر کشنده امریکا آغاز کرد. و اما دولت **رونالد ریگان** در واقع یک برنامه فعال نظامی مخفی را به ارث گذاشت و در ماه دسمبر سال (1979) به مجاهدین افغانستان کمک های حاتم طایی ما با نه ای خود را آغاز کرد (گرچه که اشتراک کنندگان کنفرانس در ماه اگست سال (1979) از پیشنهادی یاد کردند مبنی بر اینکه یک صندوق و یا یک نهاد از کمک های ایالات متحده امریکا بمنظور ارسال سلاح و مهمات جنگی و ..... به مجاهدین افغان ایجاد شود. ولی این پیشنهاد از طرف مسولین از مقامات اداره اطلاعات امریکا (CIA) رد شد و بجای آن در اوایل سال (1980) در تحت رهبری سازمان سیاه (CIA) **اقای ویلهیم کاسی (William Casay)** تصمیم بر آن شد که اعضای ایتلاف یک کمیته اجرایی را در سطح بالا و بلند موظف سازد که کمک ها را به گروه های مقاومت افغانستان بهتر مدیریت نماید و در تهیه و تدارک و جمع آوری و جمع بندی کمک های مالی و جنسی و نحوه آماده سازی شرایط بخاطر آموزش مهاجرت های جنگی به مجاهدین افغانستان بحیث یک مرجع مسول اجرای وظیفه نماید، آنچه را که در اینجا از آن یاد یا یاد آوری نمایم این است که عربستان سعودی در سال (1980) به ارتباط مدد و کمک به مجاهدین افغانستان بی تفاوت نه ماند و تصمیم گرفت که در جنب کمک های ایالات متحده امریکا به گروه های مقاومت افغانستان از نظر مالی نیز سهم قابل ملاحظه گیرد چنانچه که عربستان سعودی در این مورد کمک های چشمگیری

نمود - کمیته از اعضای ایتلاف (کمیته تدارکات) شامل سازمان سیا (CIA)، بریتانیا، عربستان سعودی، مصر، پاکستان، و چین بود. براساس گفته ای رییس سابق سیا (CIA) در پاکستان آقای میلتون بیردین (Milton Bearden) حجم کمک های کمیته ایتلاف را به مجاهدین افغان در سالهای (1986) تا (1987) جمعاً (60000) تن اعم از سلاح ها، مواد غذایی، سامان الات مخا براتی در هر سال خاطر نشان ساخت.

دردوران زما مداری رونالد ریگان آقای ایلی دی کراکویسکی (Elie .D. Krakwski) سابق دستیار ویژه ای معاون وزیر دفاع امریکا در بخش سیا ست امنیتی بین المللی چنین استدلال کرد: که کمک های ایالات متحده امریکا و متحدان امریکا در واقعیت امر ستراتیژی امریکا در قبال افغانستان نیمه دل و ناسازگار باقی مانده بود. و این ناسازگاری به دلیل اینکه سیا ست افغانستان عمدتاً در ارتباط و در پیوند با سیا ست در مورد ایران و پاکستان سبک و سنگین میشد که بعداً ایالات متحده امریکا به متحد خود پاکستان اجازه داد که تمام کمک های را که به مجاهدین افغان از طرف کمیته ایتلاف صورت میگیرد مستقیماً مدیریت نماید. و این کمک ها را در بین گروه ای چند گانه ای از مقاومت اسلامی افراطی مسکون در خاک پاکستان و ارسی و مدیریت بهتر نماید اما دیری نه گذشته بود که پاکستان شماری از موشک های ستنگر کمک شده امریکا را برای خود نگهداری کرد تا از آن برای بدست آوردن مقاصد بعدی خود استفاده نماید و به ارتباط این نوع دستبرد پاکستان، مقامات مسول سازمان سیا (CIA) بالای پاکستان انگشت انتقاد گذاشت که پاکستان در توزیع کمک های ایالات متحده امریکا و کمیته ایتلاف به مجاهدین افغان انصاف را در نظر نمیگیرد و برخورد تبعیضی می نماید و کمک ها را درست و بهتر مدیریت نمیکند.

طبق اشاره از لندن دانشمند **نا رویژی آقای اودد ارنی و استاد (Odd.Arne Wastad)** در مورد چنین افاده میکند:

« اسناد بدست آمده از روسیه نشان میدهد که رهبر اتحاد جماهیر شوروی به چه سرعتی درگیر مداخله در افغانستان شد و آن اینکه یک حلقه محدود از مقامات عالیه اتحاد جماهیر شوروی تصمیم میگیرند که باید بالای افغانستان تجا و زکرد که در این حلقه اقایون هریک اندروپوف (Andropov) رییس (KGB) وزیر دفاع شوروی اوستینوف (Ustinov)، نقش تعیین کننده ای داشتند.»

و طبق گفته ای اناتولی چرنیوب (Anatoly .s. Chernyaeve) سابق عضو مرکزی کمیته بین المللی و بعداً مشاور کلیدی سیاست خارجی رهبر شوروی آقای میخایل گرباچف مانند سایرین تهاجم اتحاد شوروی را بالای افغانستان از طریق امواج رادیو شنیدند. تا جایکه حتی در اکثر حلقات در مورد این تهاجم شوروی انگشت انتقاد گذاشتند ولی تعجب در اینجا چنین بود که بحث پیرامون موضوع تهاجم بالای افغانستان عاجلاً زوده میشود و بخاطر حل و فصل قضیه افغانستان در اوایل بهار سال (1980) پیشنهادی از طرف شوروی ها صورت میگیرد و دلچسپ اینکه این پیشنهاد با پیشنهاد سازمان ملل متحد سال (1986) همخوانی و شباهت داشت.

زمانیکه میخایل گرباچف در سال (1985) بقدرت رسید جنگ در افغانستان به بن بست مواجهه شده بود، نیروهای شوروی در افغانستان عمدتاً در شهرها و در دفاع از میدان های هوایی و پایگاه های خود بودند، و تنها (15) فیصد سربازان شوروی در جنگ علیه گروه های مقاومت افغانستان سهم می گرفتند. لیستر گروو (Lester Grau) افسر امریکایی متخصص در جنگ، اختلافات و یا جنگ

افغانستان را یک جنگ لشکرکشی تدارکاتی تعریف و توصیف میکرد او همچنان تاکید نمود که در میان سربازان شوروی بیماریهای سنگین و کشنده شیوع پیدا کرد که ناشی از آن تعداد زیادی از سربازان تلف شدند که تقریباً (60) درصد سربازان در شفاخانه‌ها در هنگام ادامه جنگ تحت مداوی و مداوا قرار گرفتند و برخی از طرفداران برنامه کمک‌های مخفی آمریکا مانند چارلس ویلسون (Charles Willson D. TX) ادعا نمود که با تحقق برنامه کمک‌های مخفی طرح شده از سوی آمریکا لشکرهای نظامی شوروی را در افغانستان با استعمال موشک‌های ستنگر سرشانه‌ای توسط مجاهدین از پا درآورد و زمینه خروج آنها را از افغانستان مساعد ساخت که در سال (1986) بعنوان نقطه عطف جنگ تلقی شد که این موشک‌های ستنگر سرشانه‌ای توانست که هرچه زودتر هلیکوپترهای روس‌ها را مورد هدف قرار داده و آنها را سرنگون سازد.

در تلاش‌های بعدی برای وارد نمودن فشار نظامی علیه اشغال افغانستان توسط شوروی **جیمز جی هرشبرگ (James G. Hershberg)** از پوهنتون جورج واشنگتن مدارکی از اسناد صنفبندی شده ایالات متحده آمریکا را چنین ارایه داد که در سال (1986) زمامداری رونالد ریگان کارکنان شورای امنیت ملی آمریکا تلاش بخرج دادند تا با باز کردن یک راه ویا یک معبر بمنظور ارسال کمک به مجاهدین افغان از طریق ایران دریک معامله پنهانی تمویل اسلحه به تهران دست یابند، منظرو یا جنبه‌ای که تا تیرآن در قضیه ایران از سابق نامشخص باقی مانده است. «5» **جورج کیب (George Cave)** کارشناس وایران شناس سابق سازمان اطلاعاتی سیا (CIA) یکی از شرکت کنندگان در تماس‌های مخفیانه ایالات متحده آمریکا وایران که در آن زمان ستاد مبارزه بامواد مخدر (ناتو) توسط ستاد کل شورای امنیت ملی **اولیبر ال. نارت (Oliver L. North)** رهبری میشد تا بید نمود که ایالات متحده آمریکا بدنبال ایجاد همکاری‌ها با ایرانیان در ضدیت با شوروی‌ها در افغانستان بودند واین اسرار در یاداشت‌ها ودر اسناد از نشست‌ها ویا جلسات دفتر مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و مکالمات میخایل گرباچف با رهبران خارجی درج واکنون قابل دسترس است. **انتولی چرنیوف (Anatoly Chernyaev)** استدلال مینماید که **گرباچف** تصمیم گرفته بود که بعد از مدت چند پس از رسیدن به قدرت نیروی‌های نظامی شوروی را از افغانستان فرامیخواند یا بیرون میکشد.

از سوی دیگر برنامه فعال کمک‌های دولتی اداره **رونالد ریگان** در هماهنگی با شرکایی ایتلاف آمریکا نقش مهمی را در شکل دادن تصمیمگیری مسکو برای پایان دادن به جنگ شدید در افغانستان و بیرون ساختن نظامیان شوروی از افغانستان بازی کرد. و افزون بر آن **انتولی چرنیوف** در این مورد نیز چنین اشاره میکند و آن اینکه اتحاد جماهیر شوروی در آن زمان حمایت مردم را از دست داده بود، همانطوریکه در تظاهرات توسط مادران سربازان روسی که پسران شان در جنگ افغانستان اعزام به جنگ میشدند و در آنجا زخمی ویا کشته میشدند این نارضایتی کاملاً مشهود بود ولی متأسفانه که رسانه‌های دولتی خواسته‌ها و مطالبات این مادران سربازان روسی را به جهانیان طور دیگر انعکاس میدادند و از سوی هم فرار سربازان از صحنه جنگ و شمار دیگری از نابسامانی‌ها و تخلفات مواردی بود که برای میخایل گرباچف فرصت میداد تا در تصمیمگیری اش مبنی به اخراج نیروهای نظامی شوروی از افغانستان انگیزه اصلی را فراهم سازد و او یعنی گرباچف برای تحقق پیرسترویکا (perestroika) خود تا زمانیکه به رقابت تسلیحاتی اش در افغانستان پایان نمیداد ممکن نبود که دست می‌یافت ولی این تصمیمگیری **میخایل گرباچف** در عین زمان بحث برانگیز نیز بود و آن اینکه با خروج قطعات نظامی شوروی از افغانستان سولاتی را به ارتباط اعتبار

شوروی (چنین فکر میشد که شوروی با این تصمیمگیری خود ضربه سختی بر پیکر جنبش های رهای بخش ملی وارد میکند) «6» شوروی در میان مردم و حامیان شوروی نیز خلق خواهد کرد و این خود موجب واکنش های شدیدی داخلی خواهد شد و مردم خواهند گفت: که با این تصمیمگیری «فداکاری ها و اقتدار» شوروی در صحنه بین المللی به فراموشی سپرده خواهد شد. بناً با وجود این همه سوالات رهبر جدید اتحاد جماهیر شوروی آقای **میخایل گرباچف** فرصت قابل توجهی را بدست آورد و آن اینکه اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی (CPSU) و رهبر ارتش و مسول نهاد (KGB) نظرات **میخایل گرباچف** را پذیرفتند و با اینصورت تمام موانع از راه **گرباچف** بخاطر تحقق پریسترویکا او برچیده شد. «7»

رویدادها و شواهد جدید که نشان دهنده معضلات دشوار در سر راه رهبر شوروی میخایل گرباچف است آنرا نباید نادیده گرفت، نظیر حساسیت پدیده های بالقوه شبیهه تصاویر خروج نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا از جنگ ویتنام در یک دهه قبل و ترس از تبدیل شدن افغانستان به یک کشتارگاه خونین که یک اختلاط مهیب میتواند بار آورد.

جنرال **ویرینیکوف (Varennikov)** در مورد افغانستان چنین ابراز نظر نمود و آن اینکه او گفت که افغانستان را باید بحیث یک کشور دوست و بیطرف حفظ و نگداری کنیم - و دیگر رهبران شوروی بخصوص وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی **شواردنازه (Eduward Schverdnidz)** بدنبال چنان ستراتیژی سخن زد که قبل از خروج باید به افغانستان سازی اندیشید یعنی نباید در این جنگ چیزی را از دست دهیم و یا جنگ را ببازیم - ولی پریسترویکا (perestroik) بطور کلی و دگرگون یا تبدیل شدن فوری میخایل گرباچف از پیگیری در افغانستان و پیشبینی کردن هر دو (افغانستان و پریسترویکا) آن بمراتب سخت و دشوار از گذشته بود.

حمایت از آخرین رژیم کمونیستی به رهبری «دوکتور نجیب الله» بواسطه کمک های اضافی شوروی با وجود موجودیت سربازان اتحاد جماهیر شوروی خود زمینه نفوذ قدرت نخبگان کمونیست حاکم را بیشتر میساخت تا جاییکه این نخبگان با جنگ را به دوش سربازان شوروی گذاشته و خودشان در خانه ها و قصرهای خود بدون سروصدا زندگی را ترجیح میدادند و از سوی دیگر رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به حیث نیروی پیش آهنگ، سیاست «آشتی ملی» را به حیث یک وسیله بخاطر قطع جنگ اعلام نمود که با پیگیری این سیاست عده ای از مقامات حزبی چوکی ها و مقامات خود را از دست دادند و در مقابل تحقق و پیاپی شدن سیاست «آشتی ملی» به مقاومت پرداختند یعنی آنها **که کارملیزم** را به صفت هویت حزبی بودن خود شناخته به بیکاره گی و بایبی عملی پرداختند تا جاییکه تصامیم مسکو را نیز به ارتباط افغانستان تغیر دادند قسمیکه در مورد خود دوکتور «نجیب الله» نیز در مسکو سوءظن بوجود آمد پس در اینصورت تنها شخص شماره یک برای افغانستان (جدید) آقای **میخایل گرباچف** با رهبر افغانستان درگیر ماند آنطوریکه او در این مورد خاطر نشان ساخته بود که «ما بدون از **نجیب الله** با که کارکنیم». «8»

واشنگتن و اسلام آباد تمایل به توقف کمک های نظامی امریکا و متحدانش برای مجاهدین افغان که یک بخش از مردم افغانستان را تشکیل میدهند نبودند که این خود شکل از تخریب راه حل و فصل معضله افغانستان برای رهبر شوروی بود «9» هما **نپوریکه چرنیوف (Chrenyaeve)** از یادداشت ها و گفتگوهای گرباچف یا داوری میکند - از سوی هم میخایل گرباچف از طرح های پیشنهادی دوکتور «نجیب الله» برای عملیات مشترک علیه پاکستان عقب نشینی کرد ولی با وجود این همه گزینه ها رهبر کرملین بفرض خروج نیروهای نظامی خود (بدون شکست) از افغانستان

به دولت افغانستان وعده سپرد که اتحاد شوروی به افغانستان تا سال (۱۹۹۱) از کمک های عظیم اقتصادی و نظامی خود خواهد کاست چنانچه این کمک ها تا ماه فبروری سال (1989) یعنی تا آخرین واحد های نظامی شوروی که از افغانستان خارج میشدند دوام داشت.

اسناد بدست آمده زیرین نشان دهنده سیاست اتحاد جماهیر شوروی نه تنها در قبال افغانستان بلکه بینش جالبی مسکو در مورد شبهه قاره بصورت کل و بویژه بطور بالقوه در مورد روابط میان افغانستان و پاکستان و هند قابل توجه است و آن اینکه میخایل گرباچف به تاریخ «20» جولای سال (1987) با دوکتور نجیب الله ملاقات و به مذاکره می پردازد که در این بازدید و ملاقات دوکتور نجیب الله در مورد اقدامات تلافی جویانه مشترک هند و افغانستان علیه پاکستان بضرع پوشش دادن خروج نیروهای نظامی شوروی از افغانستان و کاستن فشار بالای رژیم کابل پیشنهاد خود را به میخایل گرباچف پیشکش میکند پیشنهادی که از طرف میخایل گرباچف تقریباً بشکل استهزا بدرقه میشود و آن اینکه اگر همچو اقدامات تلافی جویانه علیه پاکستان صورت گیرد در آن صورت تحریکات و اختلالات جدی در مناطق مرزی پاکستان به نسبت تداخل هند بوجود خواهد آمد و حملات پیشگیرانه بعنوان نوعی از تظاهرات در پاکستان نه بخاطر اشغال قلمرو اش بلکه بعنوان نشان دادن نیرو و قوت اش سروصورت خواهد گرفت و حسب گفته ای چرنیوف این گفته های میخایل گرباچف آن زمان با توجه به متن پاسخ گرباچف بسیار متضاد و متناقض میتواند باشد - لذا میتوان گفت که انتشار همچو اسناد از بنیاد میخایل گرباچف و سایر منابع خبری و ارشیوها در مورد سیاست مسکو در باره افغانستان برای روشن شدن موضوع کمک شایانی مینماید. «10»

## یادداشتها :

- 1- من از سهمگیری فعال هریک اقایون سامیول اف. ویلس (Samuel F. Wells) ، جی ار جیمس جی. هرشبرگ (Jr. James G. Hershberg) ، سویتلانا سا برنسکا یا (Svetlana Savranskaya) و گاری گلبرگ (Gary Golberg) که در فراهم آوری این مقدمه همراهیم کمک نموده اند اظهار تشکر میکنم.
- 2- این کنفرانس در یک سری از «تاریخ شفاهی انتقادی» کنفرانس ها توسط پروژه تاریخ بین المللی جنگ سرد (CWIHP) و شرکای آن بروی نقاط بوری و کلیدی جنگ سرد بدنبال یک جلسه ای قبلی در شوروی مبنی بر تجا و ز شوروی بالای افغانستان و سقوط یا انحلال آشتی و تشنج زدایی در زمینه کنفرانس پروژه گارتلر - بریژنیف تدویر یافت؛ که زمینه برگزاری کنفرانس مذکور توسط نهاد (نوبل) کشور ناروی و موسسه و دانشگاه واتسون بین المللی برای مطالعات دانشگاهی در اکتوبر سال (1995) بضرع کسب اطلاعات و معلومات بیشتر کارساز شد.
- به بولتن (CWIHP bulletin 8/9 (winter 1996/1997 pp 133-184) مراجعه شود.
- 3- خوانندگان اسناد کامل کنفرانس به ارتباط تاریخ بین المللی جنگ در افغانستان را که در پروژه تاریخ بین المللی جنگ سرد (CWIHP) قابل دریافت است میتوانند آنرا بخوانند، نسخه اصلی آن را به زبان روسی و دیگر اسناد مربوطه به آن را میتوان در ارشیو بین المللی (CWIHP) یافت (اسناد روسیه و شرق اروپا داتا بیس «Databas») (READD) در ارشیو امنیت ملی واشنگتن دی سی (Washington DC) قابل دریافت است و شما میتوانید با گرفتن تماس تیلیفونی در شماره (2029947005) و فاکس شماره (2029947005) و یا ایمیل (svetlana@gwu.edu) حل مطلب نماید.
- 4- پیش از انتشارات توسط (CWIHP) اسناد مربوطه به موضوع افغانستان و جنگ عجیب و غریب

نشانه ای اود ارنی ویستید (Odd Arne Westad) را بنگرید و در بخش (A) آن شواهد جدید به ارتباط روسیه را در مورد مداخله آن کشور در افغانستان به بولتن ( CWIHP bulletin NO: 8/9 (winter 1996/1997 pp 128-132)) برای دسترسی به اسناد دیگر (ibid pp 133-184) مراجعه شود .

**5- نگاهی به (James G. Hershberg) جنگ در افغانستان و ضد مسایل ایران (contra affair) میسنگ لینکس (Missing link) تاریخچه جنگ سرد جلد سوم ، شماره سوم اوریل (2003) صفحات « 33 تا 48 ) .**

**6 - گرباچف در یادداشت های چرنیوف از دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی نقل شده است . جلسه مورخ (23) فبروری زیر چاپ .**

**7 - ibid یا همان .**

**8 - گرباچف نقل قول از یادداشت های چرنیوف در جلسه با دوکتور نجیب الله مورخ (20) جولای سال (1987) تحت چاپ .**

**9 - گرباچف در یادداشت های چرنیوف از کمیته سیاسی حزب کمونیست شوروی -**

**10 - چرنیوف ، شش سال من ، صفحات 0161 تا 162) .**

**آگاهی توسط این قلم :** خوانندگان محترم تا جایکه بشما و همه قلم بدستان معلوم و هوید است این است که تمام رسانه ها اعم از رسانه های اجتماعی ، رادیو ، تلویزیون ، مجلات و لیف لیت ها و پوسترها و ..... روزنامه بخصوص نیویارک تایمز ، واشگتن دی سی و ..... تحت نظارت مستقیم ناظران غرب و روشنفکران اجیر آنها ویا در تحت نظر (سی ای ای) قرار دارد و هیچ مقاله ویا اسناد زیور چاپ را نمی یابد تا آنکه به نفع غرب نباشد ویا مهر تا بیید مقامات نظارت غرب را در خود نداشته باشد که به تاسی از این اصل این مقاله ای را که شما مطالعه میکنید نیز از ملاحظه ای ناظران غربی گذشته است ولی من تلاش بخرچ داده ام که ترجمه این مقاله را با امانت داری کامل بنمایم وآن به این مفهوم که داشتن معلومات به ارتباط افغانستان بيمورد نخواهد بود و ضرور پنداشته میشود که بخاطر کسب معلومات هر نوع گزارش و اسناد و .... در مورد کشورمان افغانستان داشته باشیم - قابل تذکر میدانم که سایت های اعم از ( information clearing house ) ، counterpunch ، common dreams ، Antiwar ,com ، global research ، و مجله Monthly review منابع موثق ویا رسانه های اند که ناظران غربی بر آنها تسلط ندارد و این سایت ها معمولاً حقایق و اخبار سراسر جهان را آنچه که هست به نشر میسبازند که قابل اعتماد عام و تام میباشد ..... « پوهندوی دوکتور سید حسام »مل» .

**\*\*\*\***

## **گرباچف و افغانستان**

**تتبع ونگارش : توسط Christian.F.Ostermann**

**یادداشت از جلسه پلیتوری مورخ (29) ماه می سال (1986) (فشرده وگلچین) .**

**منبع (بنیاد گرباچف ، مسکو، تهیه شده توسط اناتولی چرنیوف**



## و (CWIHP) ترجمه ذریعه گاری گلدنبرگ.

**گر باچف**، در مورد افغانستان: ما {نجیب الله راجاگزین ریس جمهور ببرک «کارمل» می سازیم} اما این یک «عمل کاملاً انجام شده» نیست بلکه یک اقدام موجهه در قسمت خود ما است که ما باید در این مورد چگونه برخورد کنیم - سفیر {اتحاد جماهیر شوروی} آقای {فکرت ای تابیوف} به نجیب اشاره کرد و گفت: من شما را {به حیث دبیرکل حزب دموکراتیک خلق افغانستان (PDPA)} معرفی میکنم و وقت آن است که او را بخاطر باید داشته باشیم چونکه او ما نند یک فرمانده عمومی عمل میکند و تابیوف می افزاید چونکه او یک شخص جدی و مهم است و وقت آن است که در سیاست باید تغیر بوجود آید.

\*\*\*\*

یادداشت از جلسه پلیتوری مورخ (26) ماه جون سال (1986) (فشرده و گلچین)  
منبع: بنیاد گر باچف، مسکو، تهیه شده توسط اناتولی چرنیوف  
و (CWIHP) ترجمه ذریعه گاری گلدنبرگ.

**گر باچف**: ما به یک مرحله جدید از روابط رسیده ایم یعنی که در اینجا با یک رهبری جدید مواجهه هستیم و ملاحظه مینمایم که او به کجا میرود؟ اما باید چیزی های را که بیشتر بروی شان نه های خود میگذاریم آنرا اداره کنیم.

\*\*\*\*

یادداشت از جلسه پلیتوری مورخ (24) ماه جون سال (1986) (فشرده و گلچین)  
منبع: بنیاد گر باچف، مسکو، تهیه شده توسط اناتولی چرنیوف  
و (CWIHP) ترجمه ذریعه گاری گلدنبرگ.

**گر باچف**: در مورد نجیب الله ساختن ویا اعمار یک ساختمان از مواد کهنه و قدیمی سخت و دشوار است؛ ..... تحویل سلاح ها نه باید بیشتر افزایش یابد .... چهل درصد مرز افغانستان پوشش داده نشده است و این کار غیر ممکن است. خدا ما را با نجیب الله به اشتباه گرفته است، یک دولت ایتلافی از جمله کسانی که در خارج از کشور هستند؛ اما نه در اردوگاه دشمن (نه هنوز).

\*\*\*\*

یادداشت از جلسه پلیتوری مورخ (25) سپتمبر سال (1986) (فشرده و گلچین)  
منبع: بنیاد گر باچف، مسکو، تهیه شده توسط اناتولی چرنیوف  
و (CWIHP) ترجمه ذریعه گاری گلدنبرگ.

با پاکسانی ها در مورد گسترش دولت کابل با تبعیدی ها تبادل اطلاعات مخفیا نه داشته باشید.

\*\*\*\*

## یادداشت از جلسه پلیتوری مورخ (13) نومبر سال (1986) (فشرده و گلچین) منبع: بنیاد گرباچف، مسکو، تهیه شده توسط اناتولی چرنیوف و (CWIHP) ترجمه ذریعه گاری گلدنبرگ «1»

**گرباچف:** بصیرت و یا شهودی {من را} توصیه میکند که چیزی {ما را} تهدید میکند. من می ترسم که زمان را از دست داده ایم، ما به {وضعیت} عادت کرده ایم چرا؟ جنگ در حال انجام است، این کسب و کار است، زندگی بطور معمول ادامه دارد، جنگ عجیب و غریب! شرایطی که بزودی شلاقی بما خواهد زد.

رفقا وقتی که یک سیاست را برمی گزینید آنرا باید دنبال کنید؛ بهر صورت این جنگ است ما تا حال شش سال است که می جنگیم، بعضی ها میگویند اگر شما این کار را به این شکل انجام دهید میشود که برای مدت (20) تا (30) سال این جنگ دوام کند و یا بیشتر از آن. مردم می پرسند، ما در اینجا چه میکنیم؟ آیا ما در آنجا هستیم؟ یا که بی وقفه باید که این جنگ را پایان دهیم. و در غیر آن ما در تمام روابط خود خجالت خواهیم کشید هدف استراتژیک اینست که جنگ را در یک و یا حد اکثر در دو سال توقف دهیم و نیروهای خود را خارج سازیم.

**ریس هییت نمایندگی شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی اندری گرومیکو (Andrei Gromyko)** اذعان کرد که شرایط اجتماعی و تمام شرایط دیگر کمتر پیش بینی شده بود آن زمانیکه ما حمایت نظامی از «کارمل» نمودیم - او در مورد پیشنهاد می کند که «شاه» را که اکنون در ایتالیا در حال تبعید زندگی میکند به افغانستان باید بازگردانده شود و آمریکا بیها را باید متقاعد ساخت که در این راستا با ما تلاش مشترک نموده تا به لندن رفته و با مساعی لندن با پاکستان تماس برقرار شود. عمده ترین وظیفه این است که جنگ را باید توقف داد و سایرین را از افغانستان فراخواند و لازم پنداشته میشود که در این زمینه یک معاهده و یا پروتوکول عقد شود {ویکتورام Viktor M} ریس (KGB) آقای **چیبریکوب (Chebrikov)** گفت که راه حل این جنگ راه حل نظامی نیست؛ بهتر است که بخاطر قطع این جنگ از راه های دیپلماتیکی استفاده بعمل آورده شود «نجیب الله» هرگز در مسکو نبود؛ مگر ما پنج بار در اینجا یعنی در مسکو «ببرک کارمل» را در سطح بسیار بلند و بلا دعوت و با او ملاقات کردیم که این شرایط خود به نفع «کارمل» در بین مخالفین او است پس ضرورت آن دیده میشود که ما باید «نجیب الله» را دعوت کنیم و با او همه موارد و مسایل را بشکل قاطعانه آن تصویب نمایم.

**وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی آقای شواردنازی (Shevardnadze)** گفت: ما ضرورت آنرا می بینیم که جنگ را هرچه زودتر باید توقف دهیم ما بخاطر توقف جنگ در همه جا با هم صحبت کنیم و برای خروج نظامیان خود از افغانستان زمان بیرون شدن آنها را باید تعیین نمایم، اگر ما اینچنین نکنیم باب مذاکرات بسته خواهد شد و یا با بن بست مواجه خواهیم شد. رفقای ما چه در اینجا و یا چه در آنجا یعنی در افغانستان نه باید با استفاده از این نظر و ایده که ما

تنها بخاطر تا مین حاکمیت و اقتدار در سراسر کشور کار میکنم با خود اندیشید لذا وزارت امور خارجه و یا وزارت دفاع و سایر دیگر ادارات نباید به چنین نظریه و مفکوره خود را درگیر سازند بنابر این باید همه چیزها را بدون یک طرح پذیرفته شده بکار بست؛ پس اجازه دهید که «نجیب الله» خود تصمیم گیرد و ما باید برای او در همه امور صلاحیت عام و تام اجرا یوی دهیم که او با داشتن آزادی تمام کار کند.

**گر با چف:** ما یک هدف مشخص داریم و آن یعنی سرعت بخشیدن به روندی که بتوانیم بطور طبیعی و دوستانه از کشور دوست خود افغانستان بیرون شویم.

**سفیر سابق اتحاد جماهیر شوروی در ایالات متحده امریکا و رییس دبیرانتمنت بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی (CPSU) آقای اناتولی دو برینین (Anatoly Dobrynin) گفت:** ما باید افغانستان را به حیث یک **ریکجا بیکا** {Rekjavika = پایتخت و بزرگترین شهر آیسلند... از ویکی پدیا} داشته باشیم و به «نجیب الله» باید بخاطر انجام کار و فعالیت های اش اختیارات عام و تام بدهیم.

**گر با چف:** چرا این مسله دوباره روی میز است؟ چرا؟ و این تصمیم در چه و یا در کدام دفتری ساخته و گرفته شده است؟ تصمیمی که با تصامیم دفتر سیاسی حزب در مغایرت و در تضاد کامل است. اما ما یک مفهوم داریم که آن تصمیم را در شورای دفتر سیاسی حزب تا بید و تصویب کردیم ولی آن فیصله و تصمیم هرگز جامه عمل نه پوشید و چنین به نظر میرسد که نوبت رئیس ستاد شوروی مارشال سرگی {واکریموف (Akhromeyev)} است که آنها بدون کدام محاسبه باید ترفیع و صعود کنند آنها در همه جهات خود را خجالت زده و شرمسار ساختند و نتوانستند که بشکل واقعی نیروهای نظامی را بکار بیا نندازند و ایا اکنون ضرور است که باید آنها صعود نمایند.

**اخریموف (گذارش فوق العاده) طی هفت سال گذشته از جنگ را ارایه داد و گفت:** که در افغانستان یک کیلومتر مربع جای وجود ندارد که در آنجا سرباز شوروی نرفته باشو و گزیده نرفته باشد اما هر زمانی که او آنجا را ترک گفته دشمن مجدداً به آنجا برگشته و سرباز ما از آنجا تمام چشم دید خود را به نفر مسول خود گذارش داده است.

از اینکه ما چرا این جنگ را از دست دادیم و یا در آن موفق نشدیم دلیل آن اینست که اکثر مردم افغانستان همین اکنون همراه با ضد انقلاب هستند.

ما دهقانان را نادیده گرفتیم آنها بی را که هیچ چیزی از انقلاب بدست نیاوردند؛ و (80) فیصد قلمرو افغانستان که در تحت تصرف ضد انقلاب قرار دارد وضعیت دهقانان در آن بخش و یا در مناطق تحت کنترل ضد انقلاب خوب و بهتر است.

**گر با چف:** مطابق به سیاست پذیرفته شده در ماه اکتوبر سال (1985) یک هدف کاملاً مشخص شد و آن اینکه ما بخاطر خارج شدن خود از کشور دوست ما افغانستان روند خروج نظامیان خود را سرعت میدهیم چونکه تمام اقدامات ما در تمام ابعاد چه سیاسی، دیپلماتیکی و اقتصادی پیشرفت نکرد سیاست «کارمل» ساده بود: **نشستن و حکومت کردن، جنگ و مبارزه توسط ما.** آنها هنگامیکه متوجه شدند شگفت زده شدند از اینکه ما افغانستان را ترک میگوییم شما میدانید که چه اتفاقی می افتد؟ ما همه چیز را باز هم خودمان انجام میدادیم.

مردم ما تنها بخاطر همین مقصد آموزش دیده اند، آنها بدست و پای نجیب الله گره زده اند. سرانجام در یک کلام که انطباق و اجرای این نظر از اینکه ما افغانستان را ترک میگوییم برای آنها ناگوار و ناپسند بود ولی ما ضرورت آن را درک کرده بودیم که باید از افغانستان خارج شویم.

اما آنچه که ضرور پنداشته میشود دونقطه ویا دواصل را باید بخاطر داشته باشیم: که عبارت اند از:

**1- طی مدت دو سال باقیمانده حضور ما در افغانستان ما باید در ختم هر سال (50) فیصد از نیروهای خود را از افغانستان خارج سازیم.**

**2- گسترش پایگاه اجتماعی رژیم، یک توزیع واقعی از نیروهای سیاسی در رهبری ضروری است که برای انجام این اصل آنها باید در دیگ خود با در نظر گرفتن تمام پلورالیسم شرقی به پختگی برسند.**

تعامل ویا توافق با همه اعضای بوروی سیاسی در مورد برخورد با «کارمل» وحتی آنها یی که یک دیگرشان را با ندیست فرض میکردند تعدادشان در حدود (80) در صد بود. ما به قوت وشدت موضوع خروج سربازان خود را با آنها در میان گذاشتیم و به آنها خاطر نشان ساختیم که ما (50) فیصد سربازان خود را در سال اول و (50) فیصد دیگرشان را در سال دوم به کشور مان فرامیخوانیم.

با پاکستان به ارتباط (3) میلیون پناهند افغان مستقیماً به مذاکره باید پرداخته شود تا زمینه بازگشت آنها به وطن شان مساعد شود که این میتواند بهم یک ریختگی باشد.

(.....) ما در اینجا سوسیالیزم نمی خواهیم وایالات متحده امریکا نمیخواهد که بعد از خارج شدن ما در اینجا نیروی نظامی خود را پیاده کند چونکه امریکا در اینجا میدان هوایی ویا پایگاه های نظامی ندارد پس در اینصورت افغانستان چه میشود؟ اجازه دهید که افغانها خود به مقابله بپردازند و خودشان تعیین سرنوشت شان را بکنند.

**اخریموف:** تا بید میکند که ایالات متحده امریکا با سربازان ویا نیروی نظامی خود به افغانستان نخواهد رفت.

**گر باچف:** بنا بر این ما نیاز به تصمیمات شجاعانه نسبت به دخالت امریکا در پالسی خود داریم.

## « نجیب » در ماه د سمبر دعوت شد!

ما در صد د ایجا د یک گروه یا یک کمیته ای از پولیت بورو (دفتر سیاسی) به مدت دو سال برای افغانستان هستیم، پولیت بوروی که در تحت رهبری **شواردنازی**، (و) اعضای آن از جمله **چبریکوف (Chebrikov)**، { ریس برنامه ریزی دولتی نیکولای وی «Nikolai, v» } **تالسین «Talzin»** { ریس کمیته امور خارجه برای مجتمع «Agro» } **vsevolod. s**، **موراکوویسکی (Murakhovsky)** { وزیر دفاع مارشال سرگی سک洛夫 (Sokolov) و سفیر سابق اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان **فکرت تابیوف (Fikryat.A. Tabeyev)** بکار خود آغاز خواهند کرد.

او به معاون ریس «KGB» رخ دور داده وگفت: آیا این خود به یک باره گی مسئله ای عادی مبنی بر خروج سربازانی که شما آنها را مستقر کرده اید خواهد بود؟ بلی! اگر هیچکسی اعتراضی ندارد! بنا بر این آنچه که شما می بینید! ما توافق کرده ایم.

**دوام دارد**

